

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آلکس انفرونس، مارتین آلمادا Alex Anfruns, Martin Almada

برگردان از: حمید محوی

۲۶ نومبر ۲۰۱۵

چهلمین سالگرد طرح کندور Condor :

جهانی سازی و تروریسم دولتی (۱/۲)

چون که رویای جامعه ای عادلانه تر و با همبستگی بیشتر را در سر می پروراند، مارتین آلمادا استاد دانشگاه از سوی دیکتاتور پاراگونه آلفردو اشتروسنر Général Alfredo Stroessner به عنوان شورشی و «تروریست فکری» متهم شده بود. مارتین آلمادا استاد دانشگاه مانند هزاران دانشجو، استاد، روشنفکر و مبارز اجتماعی دیگر قربانی شکنجه و اختناق نظامی در چهارچوب «عملیات کندور» در امریکای جنوبی شد. با این وجود، مارتین آلمادا هرگز از آرمان هایش چشم پوشی نکرد و همان فردی است که در سال ۱۹۹۲ «آرشیو ترور» را در پاراگونه کشف کرد، و مدارکی را آشکار ساخت که بر اساس آن از یک شبکه گسترده و ساخت و ساز سرکوب هم‌آهنگ در سطح بین المللی بین دیکتاتورهای نظامی و پشتیبانی های سازمان سیا پرده برداشت. به مناسبت چهلمین سالگرد راه اندازی «عملیات کندور» ۲۵ نومبر ۱۹۷۵ ما با پروفیسور آلمادا برنده جایزه نوبل آلترناتیو صلح مصاحبه ای داشته ایم تا از ساخت و ساز این عملیات و به همین گونه شناسایی مسؤلان کمی بیشتر کسب آگاهی کنیم.



- آقای آلمادا با سپاس از وقتی که به ما اختصاص دادید. در اواسط سال های ۷۰، شما تز دکتری نوشتید که عنوان آن «پاراگونه، آموزش و وابستگی» است. موضوع این تز چه بود؟ و آیا به خطری که به خاطر نظریاتتان شما را تهدید می کرد آگاه بودید؟

- در تزی که نوشتیم، به طور کلی از دو چیز دفاع می‌کردم. (۱) در پاراگوئه آموزش تنها به نفع طبقه حاکم عمل می‌کند و در خدمت توسعه نازل و وابستگی است. من از پژوهش‌ها و کارهای پائولو فرر Paulo Freire درباره آموزش و پرورش رهائی بخش الهام گرفته بودم که یکی از استادان برجسته برزیلی بود که او نیز مورد آزار و اذیت سیاسی قرار گرفت و مجبور به گزینش تبعید شد. (۲) افشای آن چیزی که از دیدگاه من باید آن را نخستین نظارت حراستی امریکای شمالی روی توده‌های پاراگوئه تلقی کنیم که با طرح کموت Camelot به اجراء گذاشته شد و عبارت بود از جاسوسی سیاسی اجتماعی به هدف پیشگیری از عوامل انقلاب و شورش. این برنامه توسط تعدادی از پژوهش‌گران در زمینه علوم انسانی در دانشگاه واشنگتن طراحی شده بود و پدرخواندگی آن نیز به عهده پنتاگون و سازمان سیا بود. مضمون مرکزی این طرح می‌تواند ضد-انقلاب و ضد-شورش نامیده شود. نمایندگی ایالات متحده امریکا برای توسعه بین‌المللی (USAID) بر آن شد تا این برنامه را در چیلی عملی کند، ولی در اگست ۱۹۶۵ یوهان گالتینگ Johan Galtung استاد ناروئی که برای دانشکده لانتین و امریکائی علوم انسانی کار می‌کرد خطر کار بست چنین طرحی را افشاء کرد. تمام دانشگاه‌های چیلی از اردوی او پشتیبانی کردند و دولت شیلی نیز مجبور شد طرح پیشنهادی از سوی نمایندگی ایالات متحده امریکا برای توسعه بین‌المللی را حذف کند. پس از این جریان، پروفیسور گالتینگ در دفتر منطقه‌ئی در یونسکو برای امریکای لاتین مشغول به کار شد که در سانتیاگو واقع شده بود، و سازمان سیا او را به عنوان فعال ضد امریکای شمالی متهم اعلان کرد. طی این دوران، پاراگوئه زیر چکمه دیکتاتور درنده جنرال آلفردو اشتروسنر به سر می‌برد و از طرحی که نمایندگی ایالات متحده امریکا برای توسعه بین‌المللی پیشنهاد کرده بود پشتیبانی کرد و با «موفقیت» آن را تا سال ۱۹۷۰ به اجراء گذاشت. در واقع، او در جلوگیری از انفجار اجتماعی توفیق به دست آورد و «صلح اجتماعی» را تا ۲ فبروری ۱۹۸۹ تضمین کند، یعنی وقتی که واشنگتن تصمیم گرفت از کودتا پشتیبانی کند و آلفردو اشتروسنر را خلع کرد و پدر زن او آندرس رودریگز Andrés Rodriguez را به قدرت رساند که سالار مواد مخدر بود. چهل سال بعد ادوارد سنودن Edward Snowden از وجود برنامه‌های نظارت جهانی که آژانس امنیت ملی ایالات متحده امریکا به اجراء گذاشته بود پرده برداشت، و افشاء کرد که در چهار چوب همین برنامه‌های حفاظتی و نظارتی سرویس‌های ارتباطاتی از دیدگاه قانونی موظف هستند پرونده تماس‌های تلفونی و نامه‌های الکترونیکی را به دولت امریکای شمالی منتقل کنند، یعنی همان موضوعی که خود او را نیز به تبعید محکوم کرد. کار من به پاراگوئه محدود می‌شد، البته با امکانات خیلی ابتدایی، در حالی که سنودن از امکانات و فن‌آوری‌های بسیار پیشرفته برخوردار بود و در سطح جهانی عمل کرد. در نتیجه مبارزاتم علیه وابستگی از سوی پارلمان سویدن در سال ۲۰۰۲ جایزه نوبل آلترناتیو را به من اهداء کردند و ادوارد سنودن نیز جایزه لورآ را در سال ۲۰۱۴ دریافت کرد. او نتوانست شخصاً جایزه اش را دریافت کند ولی پدرش به نمایندگی از جانب او آمده بود. کاملاً آگاه بودم که ناآگاهی و شکنجه در قلب دیکتاتور پاراگوئی نهفته است، یعنی موضوعی که در من به ترس فلج‌کننده‌ای انجامیده بود ولی به یاری پشتیبانی‌های همسر سلسستینا پرز Celestina Pérez که او نیز استاد دانشگاه بود، توانستم به نظام جهنمی حمله کنم یعنی نظامی که می‌خواست آگاهی و اندیشه را به خاموشی وادارد و با به کار بستن ابزارهای نظامی اش شهروندانی همچون من را که خواهان عدالت و آزادی بودیم، به زانو درآورد.

- شما مدیر مدرسه بودید و ارزش های همبستگی و همکاری مشارکتی و خودگردان را آموزش می دادید و همین موضوع موجب بازداشت و زندانی شدن شما توسط پولیس سیاسی اشتروسنر شد. آیا اسارت شما در رابطه با پیش روی هایتان در طرح های اجتماعی بود؟ آیا می توانید درباره این طرح ها با ما بگویند؟

- طرح رشته های آموزشی پاراگوئه توسط کارشناسان بانک میان امریکائی برای توسعه (BID) کارگزاری شده بود که تنها به طرح بازتولید نظام اجتماعی اقتصادی کشور محدود می شد. به عنوان مثال، دانشگاه ها می بایستی کارمندان حرفه ئی برای خدمات شرکت های خصوصی را آموزش می دادند و آماده می کردند و نه برای خدمت به جامعه. مؤسسه «یوان باتیستا آلبردی» (**l'Institut Juan Bautista Alberdi**) به ابتکار من نظام آموزشی حاکم را زیر علامت سؤال برد، و این پیغام را از طریق کلیسای کاتولیک مادلن Medellín فرستادیم و پخش کردیم که به چند کلمه خلاصه می شد: «آموزش در تمام سطوح باید به بالندگی خلاقیت بینجامد و الگوی جامعه ای را که ما در امریکای لاتین و در کارائیب آرزو می کنیم پیشبینی کند و تدارک ببیند». بین راهنماهای ایدئولوژیک ما افرادی مانند آنیبال پونس Anibal Ponce و پائولو فرر Paulo Freire برزلی وجود داشتند. ما در عین حال از چند پرونده تشکیل شده در چهار چوب اصلاحات آموزشی در پرو استفاده کردیم که توسط دولت ترقی خواه جنرال ولاسکو آلوارادو Velasco Alvarado به اجرا گذاشته شده بود. آن دوران سیاسی برای تجربیات آموزشی خودگردان در واقع مساعد نبود. تنها کافی خواهد بود به یاد بیاوریم که در همین امسال حزب کلورادو «اشترونیست» از طریق ارگان اختناق ایدئولوژیک خود، وزارت آموزش و آئین در تمام مدارس ابتدائی و دبیرستان «ده فرمان غم انگیز ضد کمونیستی» را پخش کرد که به تمام آموزگاران در مورد خطر احتمالی ایدئولوژی مارکسیستی اخطار می داد. باید یادآوری کنیم که نشریه پاراگوئیائی مرتبط به همان اخطار وزات فرهنگ و آموزش آرجننتاین در همان سال که عنوان آن چنین بود: «شورش در فضای آموزشی - دشمن خودمان را بشناسیم» و در سال ۱۹۷۷ در بوئنوس آیرس منتشر شد. قطعنامه رسمی وزارتخانه شماره ۵۳۸ دستور اجرای آن را صادر کرد و امضای وزیر آن دوران یوهان خوزه کاتالا Juan Jose Català را بر خود داشت.

به باور ما، این هماهنگی در زمان و محتوا گواه بر متن طرحی است که مأموران واشنگتن برای کشورهای عضو کندور (ارجنتاین، برزیل، بولیوی، چیلی، اکوادور، پاراگوئه و اوروگوئه) فرستاده بوده است.

اگر برای تعریف رویکردهای کلی جنبش آموزشی آینده به موضوع مؤسسه یوان باتیستا آلبردی باز گردیم، ما چندین روز در گروه های استادان (اکثراً مسیحی) با تمایلات ایدئولوژیک مختلف به بررسی و مذاکره پرداختیم. با یادآوری پیغام کلیسای مادلن و در فراسوی رویدادهای ماه مه ۱۹۶۸ در فرانسه، ما ساده لوحانه فکر می کردیم که می توانیم مؤسسه آموزشی را در درون نظام سیاسی ارتجاعی و سرکوبگر متحول سازیم. ما تصمیم گرفتیم فعالیت هائی را در راستای دموکراتیزاسیون آموزش به اجرا بگذاریم. در عمل، این جریان به این معنا بود که جامعه یا انجمن آموزشی (دانشجو، استاد، پدر خانواده) در اتخاذ تصمیم شرکت داشتند. ما هیأت پدران را ایجاد کردیم، مرکز دانشجویان که نشریات اطلاعاتی خودشان را منتشر می کردند، ما کنکور ریاضی، فیزیک، کیمیا، فلسفه، کلاس های سخنوری، شعر، رقص سنتی پاراگوئی و امریکای لاتین، و غیره را تشویق می کردیم. این آن چیزی بود که مستبدان را به خشم واداشت. (...)

پایان نخستین بخش مصاحبه. ادامه مطالب در روزهای آینده. برای اطلاعات بیشتر درباره طرح کندور به گزارش رادیو کانادا توجه کنید:

لینک متن اصلی:

<http://www.investigaction.net/40eme-anniversaire-du-Plan-Condor.html>

<https://www.youtube.com/watch?v=WtzahVw-ztM>

ویدئو :

یک ساعت روی زمین – عملیات کندور در پاراگونه.

متن این ویدئو هنوز به فارسی ترجمه نشده. در صورتی که بخش های آینده این مصاحبه کافی نباشد در فرصت های دیگر محتوای این ویدئو را نیز به فارسی ترجمه خواهم کرد.

<https://www.youtube.com/watch?v=WtzahVw-ztM>

۲۵ نومبر ۲۰۱۵